



سعادت مقوله‌ای فردی و با غیرعقلانی نیست/ عقلانیت فرهنگ در اندیشه امام خمینی(ره)

تنها در ملاحظه نسبت میان آزادی و سعادت عقلانی و فرهنگ عقلانی بر خاسته از آن است که می‌توان برخی از ملاحظات تربیتی و حتی برخی از محدودیت‌ها که در ظاهر منافی آزادی فکر و رفتار است را فهم کرد.

تنها در ملاحظه نسبت میان آزادی و سعادت عقلانی و فرهنگ عقلانی بر خاسته از آن است که می‌توان برخی از ملاحظات تربیتی و حتی برخی از محدودیت‌ها که در ظاهر منافی آزادی فکر و رفتار است را فهم کرد.

سخن در باب تحقق و حصول فرهنگ و عقلانیت فرهنگ در اندیشه امام خمینی(رضوان الله تعالی علیه) مستلزم بنیادی اجتماعی است که امام عزیز کسب این بنیاد را در یک حکومت سالم و صالح میسر می‌دانستند. این اندیشه که سابقه‌ای طولانی در اندیشه حکمت الهی و دینی اسلامی دارد، در واقع سعادت را پدیده‌ای اجتماعی می‌داند که حصول آن در متن جامعه و در نتیجه مشارکت حکمت‌شناسان و سعادت‌طلبان میسر می‌شود.

در این چارچوب، یک حکومت صالح می‌تواند سعادت دنیوی و معنوی اهالی خود را تأمین کند. همین اندیشه است که امام(ره) را به طرح نظام سیاسی‌ای که در آن بتوان سعادت را در متن مشارکت مردمی به دست آورد هدایت کرده است. به این معنا، فرهنگ عقلانی اولاً غایتی مشخص دارد که همان کسب سعادت است و در ثانی روشی برای کسب این غایت دارد که همان مشارکت مدنی و اجتماعی است. تنها در نتیجه پیوند این دو مقوله است که می‌توان فرهنگی عقلانی حاصل آورد؛ فرهنگی که از یکسو ناظر به سعادت انسان و از سوی دیگر ناظر به فعالیت اجتماعی و در نتیجه شکوفا شدن استعدادهای شهروندان است.

نکته قابل تأمل آن است که شناسایی این دو مقوله و تنظیم رابطه آن‌ها با یکدیگر مستلزم معرفت حقیقی و عقلانی به سعادت و اتخاذ رویکردهای مناسب به تقرر این مطلوب در جامعه، مستلزم وجود حکیمی سعادت‌شناس و مدیری فرزانه است که این دو در وجود رهبری این جامعه سالم و صالح به وحدت می‌روند و تجسم می‌یابند. از دیدگاه حضرت امام، این رهبر فرزانه با علم به این دو مقوله، کلیت جامعه را هدایت کرده و نسبت صحیحی بین امور دنیوی و اخروی شهروندان برقرار می‌سازد.

در چارچوب این نظریه، امام(رحمة الله) آزادی را در نسبت با سعادت مذکور تعریف نموده است. تنها در ملاحظه نسبت میان آزادی و سعادت عقلانی و فرهنگ عقلانی بر خاسته از آن است که می‌توان برخی از ملاحظات تربیتی و حتی برخی از محدودیت‌ها که در ظاهر منافی آزادی فکر و رفتار است را فهم کرد. زیرا در راه رسیدن به سعادت عقلانی مذکور، برخی چیزها هرچند لذت‌بخش باشند و متناسب با نیازهای اولیه انسان باشند و ضروری جلوه کنند، ممکن است با آن عقلانیت تغایر داشته و حتی همچون مانعی جدی بر راه حصول آن قرار گیرند.

این ملاحظه، فهم دیدگاه‌های امام عزیز در باب آزادی مطبوعات، رسانه‌ها، ظاهر جامعه و دیگر موارد را برای ما میسر می‌سازد. این نکته در واقع بر تعیین نسبت دقیق و درست میان خواسته‌های آدمی مبتنی است. در این نسبت، بالاترین خیر برای آدمی دست یافتن غایتی است که آدمی بالفطره بدان سو مایل است. هرچند این میل فطری، به راحتی و چندان بدون مانع شکوفا نمی‌شود و همواره حوائج و امیال و خواسته‌هایی این تمایل ذاتی را محدود می‌کنند.

از همین‌رو لازم است آدمی آگاهانه بر این موانع فائق آید. از آنجا که این عمل به تنهایی میسر نمی‌شود، لازم است انسان‌ها در یک فعالیت جمعی و در جریان مشارکتی مدنی و اجتماعی و با کمک همدیگر، موانع مذکور را کنار نهاده و مسیر نیل به سعادت را کوتاه کنند. در این چارچوب، لازم است برخی از امیال بدنی و خواسته‌های اولیه که همچون مانعی در راه نیل به سعادت عقلانی و شکوفا شدن استعدادها عمل می‌کنند، محدود گردند و یا لاقلاً با خواسته‌ها و اصول عقلانی این سعادت متناسب گردیده و تنظیم شوند.

آنچه در این کلیت می‌توان در باب فرهنگ و عقلانیت آن در اندیشه امام خمینی(ره) بیان داشت آن است که پیشوای ملت، سعادت انسان‌ها را تنها در مجرای ساختار تمدنی منبعث از عقلانیت قدسی میسر می‌دانست و این عقلانیت را تنها گزینه ممکن برای حصول این مطلوب معرفی کرده است. به این معنا، تمدنی که مدعی عرضه سعادت بدون عقلانیت و مشارکت عمومی آحاد جامعه باشد، تنها در ذهن مجال بروز یافته و از واقعیت بسی فاصله دارد.

این درس و آموزه‌ای ارزشمند است که رهبر کبیر انقلاب به نسل جدید آموخته است؛ آموزه‌ای که همواره باید بدان توجه داشته باشیم و برای تحقق آن علاوه بر عقلانیت ناظر به سعادت افراد، به راهکارهای متعدد مشارکت عمومی شهروندان نیز توجه داشته باشیم و بدانیم که این سعادت مقوله‌ای فردی و یا غیرعقلانی نیست و از راهی جز این حاصل نمی‌آید.*

*نویسنده: دکتر رضا ماحوزی، عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.